

بررسی تغییرات مربوط بودن اطلاعات حسابداری

احمد احمدپور^۱، سید امین هادیان^۲

چکیده: استفاده کنندگان صورت‌های مالی برای تصمیم‌گیری به اطلاعات حسابداری نیاز دارند و اطلاعات حسابداری زمانی می‌تواند در تصمیم‌گیری مفید واقع شود که از ارزش مربوط بودن برخوردار باشد. هدف این پژوهش بررسی میزان تغییرات مربوط بودن اطلاعات حسابداری و شناسایی عوامل مؤثر بر آن است. مربوط بودن اطلاعات حسابداری به کمک چهار مدل با روش حداقل مربعات معمولی، در ۲۹۷۰ مشاهده طی دوره زمانی هجده ساله (۱۳۷۵ تا ۱۳۹۲) بررسی شد. همچنین برای شناسایی عوامل مؤثر بر مربوط بودن اطلاعات حسابداری از ۱۰۰ نمونه از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی هشت ساله (۱۳۸۵ تا ۱۳۹۲) استفاده شد. نتایج پژوهش حاکی است که مربوط بودن اطلاعات ترازنامه پس از تدوین اولین استانداردهای حسابداری، روند رو به رشدی را در پیش گرفته است و بین مربوط بودن و اندازه شرکت رابطه معکوس و معنادار، بین مربوط بودن و رشد شرکت رابطه مستقیم و معنادار و بین مربوط بودن و بدهی شرکت رابطه معکوس و معنادار وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: ارزش مربوط بودن، استانداردهای حسابداری، اطلاعات حسابداری.

۱. استاد گروه حسابداری، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

۲. مربی گروه حسابداری، مؤسسه آموزش عالی غیرانتفاعی و غیردولتی سارویه، ساری، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۰۷/۰۲

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۳/۱۲/۰۲

نویسنده مسئول مقاله: سید امین هادیان

E-mail: acc.hadiyan84@yahoo.com

مقدمه

محیط حسابداری بسیار پیچیده و چالش‌انگیز است و محصول حسابداری چیزی جز اطلاعات نیست. یکی از دلیل‌های مطرح درباره پیچیدگی اطلاعات، واکنش متفاوتی است که افراد نسبت به آن نشان می‌دهند. سودمند بودن اطلاعات برای تصمیم‌گیری به یکی از اصول مهم تئوری حسابداری تبدیل شده است. دلیل دیگر پیچیدگی اطلاعات، کاری است که بیش از اثرگذار بودن بر تصمیم‌های فردی انجام می‌دهد. اطلاعات نه تنها بر تصمیم‌ها اثرگذار است، بلکه بر بازار (مانند بورس اوراق بهادار) نیز تأثیر می‌گذارد (اسکات، ۱۳۸۸: ۱۰). رشد بازار سرمایه و اهمیت آن در جذب سرمایه‌ها به منظور توسعه شرکت‌های موجود و ایجاد شرکت‌های جدید، امری انکارناپذیر است. برای تحقق این هدف و به منظور هدایت صحیح تصمیم‌گیری‌ها، اطلاعات در عملکرد بازار سرمایه نقش اساسی دارد، بنابراین اطلاعات باید از ویژگی‌های معینی برخوردار باشد و بتواند در تصمیم‌گیری‌های استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی مؤثر واقع شود (خدمای پور و ترک‌زاده، ۱۳۹۰).

دو ویژگی کیفی مرتبط با محتوای اطلاعات، مربوط بودن و قابل اتکاب بودن اطلاعات است (بلکویی، ۱۳۸۹: ۱۸۸). هرچه ارزش مربوط بودن اطلاعات بیشتر باشد، صورت‌های مالی برای تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران قابل اتکاترند و بین اقلام صورت‌های مالی و قیمت یا بازده سهام ارتباط قوی‌تری ایجاد می‌کند (فرانسیس و شیپر، ۱۹۹۹ و سامی و ژوا، ۲۰۰۴). اگر چه هیئت استانداردهای حسابداری مالی در چارچوب نظری بر استفاده‌کنندگان متنوع تأکید کرده است، در عمل مشاهده می‌شود که بر سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان تأکید شده است، لذا سؤال اصلی اینجاست که آیا اطلاعات حسابداری از ویژگی مربوط بودن برخوردار است و می‌تواند در تصمیم‌گیری‌های آنها مفید واقع شود؟ تدوین استانداردهای حسابداری ایران تا چه حد توانسته در دستیابی به این هدف موفق باشد؟ از سوی دیگر، ممکن است بدهی‌های شرکت و ناتوانی پرداخت آنها موجب شود برای جلوگیری از ایجاد تصویر نامطلوب، شرکت‌ها تمایلی به گزارش اطلاعات مربوط نداشته باشند. در مقابل، رشد مثبت شرکت ممکن است برای انعکاس تصویر مطلوب‌تر از شرکت انگیزه بیشتری ایجاد کند و در این میان، اندازه شرکت بی‌تأثیر نخواهد بود. لذا مسئله بعدی این است که عواملی مانند بدهی، رشد و اندازه شرکت، می‌تواند بر مربوط بودن اطلاعات حسابداری اثرگذار باشد یا خیر (کوپن، هیبت‌الله و حیان، ۲۰۱۳).

دلیل اصلی اجرای این پژوهش، تغییرات حسابداری پس از تدوین استانداردهای حسابداری (۱۳۸۰) در ایران است و دلیل دیگر آن، نتایج متناقض از پژوهش‌هایی است که برخی از تغییر نیافتن ارزش مربوط بودن اطلاعات در طول زمان (کولینز و همکاران، ۱۹۹۷ و لاندزمن و

مایدو، ۲۰۰۲) حکایت می‌کند و برخی دیگر بیانگر کاهش ارزش مربوط بودن اطلاعات در طول زمان است (لو، ۱۹۸۹ و براون و همکاران، ۱۹۹۹).

برای اینکه بتوان از مجرای اطلاعات بهترین منافع را برای استفاده‌کنندگان تأمین کرد، باید بین اطلاعات اثرگذار از یک سو و اطلاعات قابل اتکا از سوی دیگر، نوعی مصالحه ایجاد کرد و از این طریق به سودمندی اطلاعات گزارش‌شده پرداخت. از این دیدگاه، اطلاعات اثرگذار اطلاعاتی هستند که به استفاده‌کنندگان کمک می‌کنند چشم‌انداز آینده اقتصادی را ارزیابی کنند. مقصود از اطلاعات قابل اتکا، آن دسته از اطلاعاتی است که دقیق و عاری از هر نوع تعصب یا یک‌سونگری باشد (اسکات، ۱۳۸۸: ۱۳۹).

پیشینه پژوهش

گزارش‌های صورت‌های مالی، برای تأمین نیازهای استفاده‌کنندگان باید از ویژگی‌های مشخصی برخوردار باشند. «گزارش تروبلاد» در بیانیه شماره ۸، هفت ویژگی کیفی گزارش‌ها را مربوط بودن و اهمیت، شکل و محتوا، قابل اعتماد (اتکا) بودن، بی‌طرفانه بودن، مقایسه‌پذیر بودن، ثبات رویه و فهم‌پذیر بودن معرفی می‌کند. «مربوط بودن» و «قابل اتکا بودن» در دو دسته ویژگی اصلی اطلاعات قرار می‌گیرند. ارزش مربوط بودن به صورت مفید بودن اطلاعات^۱ صورت‌های مالی تعریف می‌شود. اجزای مربوط بودن شامل به‌موقع بودن، داشتن توان پیش‌بینی و ارزش بازخورد است (بلکویی، ۱۳۸۹: ۱۸۸).

اولین مطالعه‌ای که عنوان مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری را مطرح کرد، مطالعه امیر، هریس و ونوتی (۱۹۹۳) بود. مطالعات اولسن (۱۹۹۵) و فلتیم و اولسن (۱۹۹۵) زیربنایی را برای تعریف مجدد هدف پژوهش در زمینه رابطه بین صورت‌های مالی و ارزش شرکت پایه‌گذاری کرد. هانلون، نویسی و سپریانتو (۲۰۱۴) به این نتیجه رسیدند که افزایش مالیات معوق بر اساس رویکرد ترازنامه‌ای از ارزش مربوط بودن برخوردار است. ماتیاس و لیف (۲۰۱۴) نشان دادند استهلاک سرقفلی، ارزش مربوط بودن ندارد.

کوبین، هیبت‌الله و حیان (۲۰۱۳) به این نتیجه رسیدند که افزایش و اصلاحات ارزش مربوط بودن بیشتر به شرکت‌های کوچک‌تر تعلق دارد، شرکت‌هایی با نرخ رشد پایین‌تر و شرکت‌هایی با دارایی‌های ثابت مشهود بیشتر و اصلاحات ارزش مربوط بودن در بازار سهام پررونق، معمولاً کمتر به چشم می‌خورد.

سیل کارگین (۲۰۱۳) به این نتیجه رسید که ارزش مربوط بودن اطلاعات حسابداری با در نظر گرفتن ارزش دفتری اطلاعات در طول سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۰۵ بهبود یافته است، در حالی که بهبودی در ارزش مربوط بودن سودها مشاهده نشده است.

شیائو ژانگ (۲۰۱۲) نشان داد سیستم حسابداری بهینه، اغلب شامل ترکیب متوازی از افشای اجباری و افشای داوطلبانه با گزارشگری اجباری متمرکز بر اطلاعات قابل اتکاتر است.

گی جانگ (۲۰۰۹) نشان داد ارزش مربوط بودن ترکیبی از ارزش دفتری و جریان‌های نقدی، نسبت به ارزش دفتری سودها مربوط تر است.

همت‌فر و مقدسی (۱۳۹۲) نشان دادند بین کیفیت افشای شرکت‌ها و ارزش سهام تورمزدایی شده و همچنین بین اتکاپذیر بودن و به موقع بودن با ارزش سهام بازار تورمزدایی شده، رابطه معناداری وجود ندارد.

بشکوه و جهانگیری (۱۳۹۲) نشان دادند ارزش دفتری هر سهم در شرکت‌هایی که با مشکل نمایندگی جریان‌های نقد آزاد مواجه‌اند و شرکت‌هایی که این مشکل را ندارند، ارزش مربوط محسوب نمی‌شود. همچنین سود هر سهم در شرکت‌هایی با مشکل نمایندگی جریان‌های نقد آزاد و شرکت‌های بدون این مشکل، ارزش مربوط است و مقدار مربوط بودن سود هر سهم در شرکت‌هایی با مشکل نمایندگی جریان‌های نقد آزاد، کمتر است.

مهرانی، قیومی و مرادی (۱۳۹۱) نشان دادند افزایش تمرکز مالکیت نهادی، کیفیت اطلاعات حسابداری مندرج در صورت سود و زیان و به تبع آن مربوط بودن ارزش اطلاعات صورت سود و زیان را کاهش داده است، اما مربوط بودن ارزش اطلاعات مندرج در ترازنامه را افزایش می‌دهد.

خدمی‌پور و ترک‌زاده ماهانی (۱۳۹۰) دریافتند مالیات نه تنها مربوط بودن اطلاعات حسابداری گزارش شده شرکت‌ها را کاهش نمی‌دهد، بلکه سبب افزایش مربوط بودن اطلاعات نیز می‌شود.

احمدپور و قهرمانی (۱۳۸۸) به این نتیجه رسیدند که ضریب واکنش سود و قدرت توضیحی سود پرتفوی شرکت‌های با قابلیت اتکای زیاد، بیشتر از پرتفوی شرکت‌های با قابلیت اتکای کم است. همچنین آنها دریافتند ارتباطی بین هزینه سرمایه با ویژگی کیفی قابلیت اتکا وجود ندارد.

اطلاعات مربوط به اطلاعاتی اطلاق می‌شود که می‌توان در مدل‌های پیش‌بینی از آنها بهره برد. این پیش‌بینی‌ها مربوط به متغیرهایی است که در کانون توجه سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان قرار دارد. مثل وجوه نقد دریافتی، قیمت سهام آتی و سایر متغیرها. بنابراین اگر اطلاعات حسابداری در مدل‌های پیش‌بینی مربوط به متغیرهایی مثل ارزش بازار شرکت‌ها و سایر متغیرهای مرتبط با بازده به مثابه داده‌های مفید وارد شوند، می‌توان فرضیه مربوط بودن اطلاعات حسابداری را پذیرفت.

مطالعات پیشینی که به بررسی موضوع این پژوهش، از جمله اثر مشکل نمایندگی جریان‌های نقد بر مربوط بودن سودها و ارزش‌های دفتری (بشکوه و جهانگیری، ۱۳۹۲)، بررسی مربوط بودن بر ارزش سهام (همت‌فر و مقدسی ۱۳۹۲)، بررسی ویژگی کیفی قابلیت اتکای اطلاعات در ارزیابی کیفیت سود (احمدپور و قهرمانی، ۱۳۸۸) و... پرداخته‌اند، همگی ارتباط مربوط بودن اطلاعات حسابداری را با متغیرهای دیگر بررسی کردند، اما در پژوهش حاضر، هدف بررسی تغییرات مربوط بودن حسابداری از پنج سال قبل از تدوین استانداردها تا سال ۱۳۹۲ و عوامل مؤثر بر آن است که برای دستیابی به آن، از چهار مدل جدید اندازه‌گیری مربوط بودن اطلاعات حسابداری با استفاده از توان توضیحی آنها بهره برده شده است که پژوهش‌های قبلی کمتر به آن پرداخته‌اند. برای بررسی مربوط بودن اطلاعات حسابداری، از متغیرهای حسابداری مانند سود خالص، ارزش دفتری، ارزش دفتری و سود و در نهایت اقلام تعهدی و جریان وجوه نقد به توان پیش‌بینی‌کنندگی این متغیرها به‌منزله نماینده اطلاعات حسابداری و تعامل اطلاعات بین ترازنامه، صورت سود و زیان و صورت جریان وجوه نقد در رابطه با قیمت سهام استفاده شده است. این انتخاب به دو دلیل انجام گرفت؛ دلیل اول به وجود مبانی نظری لازم از جمله مدل اولسون (۱۹۹۵) بازمی‌گردد و دلیل دوم اینکه اگر ارزش دفتری نتیجه نهایی سیستم حسابداری در نظر گرفته شود و اندازه‌گیری حسابداری به‌گونه‌ای انجام شود که ارزش دفتری با ارزش بازار یکسان باشد، تحلیل گران مالی دیگر نیازی به متغیرهای حسابداری مانند سود و جریان‌های نقدی نخواهند داشت، اما در اندازه‌گیری‌های حسابداری، ارزش دفتری با ارزش بازار شرکت یکسان نیست؛ به همین دلیل قیمت سهام، معیار مناسبی برای بررسی ارزیابی سودمندی ارقام حسابداری تلقی می‌شود. سود حسابداری و گردش وجوه نقد در کنار سایر عوامل (مانند سیاست‌های تأمین مالی شرکت‌ها یا دسترسی آسان به سایر منابع تأمین مالی) از عوامل مؤثر بر توزیع سود است. هر سرمایه‌گذار در مقابل مبالغی که سرمایه‌گذاری می‌کند، انتظار دریافت بازده با توجه به ریسک مد نظر را دارد. دو متغیر سود و جریان وجوه نقد عملیاتی ممکن است در پیش‌بینی دریافت سود سهام آتی به سرمایه‌گذاران کمک کنند. نتایج مطالعات نشان می‌دهد واکنش بازار به تغییرات سود نقدی مثبت و معنادار است. همچنین بیشتر مطالعاتی که در زمینه مربوط بودن اطلاعات حسابداری انجام گرفته است، بر سود حسابداری به‌منزله معیار سود و زیان تأکید داشته‌اند؛ زیرا به آنها اجازه می‌دهد تصویری از عملکرد واقعی شرکت به‌دست آورند و به ارزش‌گذاری آنها کمک کند (مهرانی، ۱۳۹۱). بنابراین سود و جریان وجوه نقد عملیاتی، اطلاعاتی درباره ارزش شرکت‌ها فراهم می‌کند (معین‌الدین، طباطبائی‌نسب و زارع‌زاده، ۱۳۹۱). معیار اصلی ارزش مربوط بودن اطلاعات تغییر، در توانایی متغیرهای کلیدی حسابداری (دارایی‌ها،

بدهی‌ها و سودها) است، بدین وسیله می‌توان بازده سهام و ارزش بازار را توضیح داد. با توجه به تدوین استانداردهای حسابداری انتظار می‌رود متغیرهای کلیدی حسابداری بتوانند بازده سهام و ارزش بازار را بهتر توضیح دهند (کوپن، هیبت‌الله و حیان، ۲۰۱۳).

تغییر در ارزش مربوط بودن اطلاعات حسابداری می‌تواند با تدوین استانداردها و تدوین قوانین جدید همراه باشد. استانداردهای حسابداری ضوابطی هستند که واحدهای اقتصادی باید در فرایند شناخت، اندازه‌گیری و انتقال اطلاعات مالی به استفاده‌کنندگان رعایت کنند و در نتیجه معیاری برای سنجش کیفیت ارائه صورت‌های مالی به‌شمار می‌روند. در زمینه تدوین استانداردهای حسابداری دو گزینه مطرح است؛ در گزینه اول تلاش می‌شود استانداردهایی تدوین شود که به گزارشگری بی‌طرفانه و رعایت صداقت در ارائه اطلاعات منجر شود (رویکرد مبتنی بر ارائه صادقانه و مطلوب اطلاعات). در گزینه دوم پذیرش استانداردهایی در کانون توجه قرار می‌گیرد که به پیامدهای خوب اقتصادی منتهی شود (رویکرد مبتنی بر توجه به پیامدهای اقتصادی) (بلکویی، ۱۳۸۹: ۱۲۷). بنابراین با استفاده از نتایج این پژوهش می‌توان از این رویکرد بهره برد. سال ۱۳۸۰، در ایران نیز پس از تدوین و انتشار ۲۸ استاندارد، مقرر شد این استانداردها در حسابرسی صورت‌های مالی، ضوابط رسمی کشور و معیار کیفیت اطلاعات در نظر گرفته شوند.

در مجموع موقعیت ایران برای به‌کارگیری چارچوب ارزش مربوط بودن نسبت به کشورهای دیگری که بیش از یک دهه از اجرای استانداردهای آن گذشته، متفاوت است. با توجه به افزایش اهمیت سرمایه‌گذاری‌ها در بورس اوراق بهادار و نوسان‌های آن، بررسی این موضوع در بازارهای ایران جالب خواهد بود و امید است که در ارزش مربوط بودن صورت‌های مالی در این بازارها که به تدوین اولین فرضیه این پژوهش منجر شده است، افزایش ایجاد شده باشد.

فرضیه اول: ارزش مربوط بودن اطلاعات حسابداری پس از تدوین استانداردهای حسابداری در حال افزایش است.

همچنین خصوصیت‌های مرتبط با اصلاحات ارزش مربوط بودن، مانند اندازه شرکت، نرخ رشد و نظارت بر بدهی‌های بلندمدت بررسی شده است (فرانسیس و شیپر، ۱۹۹۹ و سامی و ژوآ، ۲۰۰۴). لذا فرضیه‌های بعدی به شرح زیر مطرح می‌شوند:

فرضیه دوم: بین مربوط بودن اطلاعات حسابداری و اندازه شرکت، رابطه معکوس و معناداری وجود دارد.

فرضیه سوم: بین مربوط بودن اطلاعات حسابداری و رشد شرکت، رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد.

فرضیه چهارم: بین مربوط بودن اطلاعات حسابداری و بدهی شرکت، رابطه معکوس و معناداری وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

اطلاعات و داده‌های پژوهش از پایگاه اینترنتی کدال و همچنین نسخه سوم نرم‌افزار ره‌آورد نوین استخراج شده است. جامعه آماری را شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران شکل می‌دهد. تمام شرکت‌ها در دوره زمانی ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۲ انتخاب شدند و آنهایی که هر یک از شرایط زیر را نداشتند، از نمونه خارج شدند:

اول به منظور افزایش قابلیت مقایسه نتایج پژوهش، دوره مالی شرکت‌های نمونه منتهی به ۲۹ اسفند باشد؛

دوم در دوره‌های مالی طی بازه زمانی پژوهش تغییر ایجاد نشده باشد؛

سوم جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری، بانک و بیمه نباشد؛

چهارم قبل از سال ۱۳۷۵ در بورس پذیرفته شده باشد؛

پنجم اطلاعات مد نظر برای استخراج داده‌ها در دسترس باشد.

برای تعیین عوامل مؤثر بر مربوط بودن اطلاعات حسابداری، به بررسی ۱۰۰ شرکت طی ۸ سال (۱۳۸۵ تا ۱۳۹۲) پرداخته شد و برای ارزیابی تغییرات مربوط بودن اطلاعات حسابداری، روند تغییرات ۲۹۸۰ مشاهده، طی ۱۸ سال (۱۳۷۵ تا ۱۳۹۲) مطالعه شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها به کمک نرم‌افزار Eviews 8 انجام گرفت.

متغیر وابسته و نحوه اندازه‌گیری آن

برای اندازه‌گیری مربوط بودن، می‌توان دو رویکرد رایج را به کار برد. رویکرد اول اینکه چه میزان از بازده غیرعادی را می‌توان با پیش‌بینی^۱، از اطلاعات صورت‌های مالی به دست آورد؛ این رویکرد را اوپو و پنمان (۱۹۸۹) و هریس و اولسون (۱۹۹۰) به کار برده‌اند. رویکرد دوم که رویکرد توان توضیحی نامیده می‌شود، مبنای توان اطلاعات حسابداری برای توضیح ارزش بازار و بازده شرکت است. مثلاً سودها برای توضیح بازده سالانه و ارزش دفتری دارایی‌ها و بدهی‌ها برای توضیح ارزش بازار سرمایه استفاده می‌شود. افزایش یا کاهش در مربوط بودن طی زمان، می‌تواند با تغییر در توان توضیحی اطلاعات حسابداری اندازه‌گیری شود (فرانسیس و شیپر، ۱۹۹۹ و سامی

و ژوا، ۲۰۰۴). برای بررسی فرضیه اول، از رویکرد توان توضیحی چهار مدل رگرسیونی زیر استفاده شده است:

- مدل ۱: مدل مرتبط با سود

$$RET_{j,t} = \rho_{0,i} + \rho_{1,i}\Delta EARN_LMV_{j,i} + \rho_{2,i}EARN_LMV_{j,i} \quad (\text{رابطه ۱})$$

RET: بازده انباشته بازار سهام برای ۱۲ ماه، سه ماه بعد از پایان سال مالی؛
 $\Delta EARN_LMV$: تغییرات سود قبل از ارقام غیرمترقبه تقسیم بر ارزش بازار سهام در ابتدای دوره؛

$EARN_LMV$: سود قبل از ارقام غیرمترقبه تقسیم بر ارزش بازار سهام در ابتدای دوره.

- مدل ۲: مدل مرتبط با ترازنامه

$$MV_PS_{j,t} = \pi_{0,i} + \pi_{1,i}ASSETS_PS_{j,i} + \pi_{2,i}LIAB_PS_{j,i} \quad (\text{رابطه ۲})$$

MV_PS: ارزش بازار هر سهم در پایان سال؛
 ASSETS_PS: ارزش دفتری دارایی هر سهم در پایان سال (ارزش دفتری دارایی تقسیم بر تعداد سهام عادی)؛
 LIAB_PS: ارزش دفتری بدهی هر سهم در پایان سال (کل بدهی ها تقسیم بر تعداد سهام عادی).

- مدل ۳: مدل مرتبط با ارزش دفتری و سودها

$$MV_LBV_{j,t} = \delta_{0,i} + \delta_{1,i}BV_LBV_{j,i} + \delta_{2,i}EARN_LBV_{j,i} \quad (\text{رابطه ۳})$$

MV_LBV: ارزش بازار سهام در پایان سال تقسیم بر ارزش دفتری سهام ابتدای سال؛
 BV_LBV: ارزش دفتری سهام در پایان سال تقسیم بر ارزش دفتری سهام ابتدای سال؛
 $EARN_LBV$: سود قبل از ارقام غیرمترقبه در پایان سال تقسیم بر ارزش دفتری سهام ابتدای سال.

- مدل ۴: مدل مرتبط با ارقام تعهدی و جریان وجوه نقد

$$RET_{j,t} = \gamma_0 + \gamma_1ACCR_LMV_{j,i} + \gamma_2CFO_LMV_{j,i} \quad (\text{رابطه ۴})$$

ACCR_LMV: اقلام تعهدی تقسیم بر ارزش بازار سهام ابتدای دوره؛
 CFO_LMV: جریان نقد عملیاتی تقسیم بر ارزش بازار سهام ابتدای دوره.
 برای اندازه‌گیری اقلام تعهدی از مدل ابودی و همکاران (۲۰۰۲) استفاده شده است:

$$\text{رابطه ۵)} \quad (ACA - \Delta Cash) - (\Delta CL - \Delta STD - \Delta TP) - DEP$$

ΔCA : تغییرات دارایی‌های جاری؛

$\Delta Cash$: تغییرات وجه نقد؛

ΔCL : تغییرات بدهی‌های جاری؛

ΔSTD : تغییرات تسهیلات مالی دریافتی جاری؛

ΔTP : تغییرات ذخیره مالیات؛

DEP : هزینه استهلاک.

برای بررسی فرضیه دوم تا چهارم با استفاده از ارزش مربوط بودن محاسبه‌شده از چهار مدل قبلی (متغیر وابسته)، از مدل زیر استفاده شده است:

$$\text{رابطه ۶)} \quad \Delta VAL_RELM_{j,t} = \alpha_0 + \beta_1 SIZE_{j,i} + \beta_2 GROW_{j,i} + \beta_3 DEBT_{j,i} + \beta_4 SINDE_{j,i} + \beta_5 TANG_{j,i} + \varepsilon$$

ΔVAL_RELM : مربوط بودن اطلاعات حسابداری (تغییر در معیار ارزش مربوط بودن نسبت به سال قبل که با استفاده از مدل‌های رگرسیونی ۱ تا ۴ محاسبه می‌شود و برابر است با قدر مطلق اختلاف ارزش باقی‌مانده‌های^۱ هر شرکت در سال جاری نسبت به سال قبل)؛

$SIZE$: اندازه شرکت (لگاریتم کل دارایی‌ها)؛

$GROW$: رشد شرکت (ارزش بازار به ارزش دفتری)؛

$DEBT$: بدهی شرکت (نسبت بدهی بلندمدت به دارایی)؛

$SINDEX$: بازده انباشته بازار بورس اوراق بهادار تهران؛

$TANG$: شاخص مشهود بودن دارایی شرکت، پیشنهادی آلمدیا و کامپلو (۲۰۰۷) به صورت زیر:

$$\frac{(\text{حساب‌های دریافتی} \times 0.715) + (\text{موجودی‌ها} \times 0.547) + (\text{دارایی‌های ثابت} \times 0.535) + (\text{وجه نقد})}{\text{ارزش دفتری سرمایه}}$$

یافته های پژوهش

آمار توصیفی

جدول ۱، آمار توصیفی داده های پژوهش را نشان می دهد.

جدول ۱. آمار توصیفی

متغیر	مشاهدات	میانگین	بند	حداقل	حداکثر	معیار	انحراف	توجه	کشیدگی
مدل ۱	۸۰۰	۰/۵۷	۰/۴۰	۰/۰۰	۶/۸۷	۰/۶۶	۳/۶۸	۲۴/۷	
مدل ۲	۸۰۰	۲۱۳۸	۱۱۶۹	۲/۴	۳۷۰۳۵	۳۰۹۷	۴/۲۹	۳۲/۱۴	تغییرات
مدل ۳	۸۰۰	۱/۳۷	۰/۷۱	۰/۰۰	۲۳/۵۹	۲/۱۵	۴/۶۴	۳۴/۱	مربوط بودن
مدل ۴	۸۰۰	۰/۵۷	۰/۴۰	۰/۰۰	۵/۶۰	۰/۶۸	۳/۵۴	۲۰/۴	
اندازه	۸۰۰	۵/۸	۵/۷۴	۲/۲۷	۷/۴۴	۰/۵۴	۰/۲۱	۵/۱۱	
رشد	۸۰۰	۴/۷۲	۱/۶۸	-۱۱/۵۴	۱۹۴۰	۶۸/۸۸	۲۸/۰۴	۷۸۸	
بدهی	۸۰۰	۵/۶۵	۰/۰۵	۰/۰۰	۴۴۰۸	۱۵۶	۲۸/۰۹	۷۹۰	
بازده انباشته بورس	۸۰۰	۰/۲۷	۰/۱۹	-۰/۰۷	۱/۴۶	۰/۲۹	۰/۶۵	۲/۶۵	
مشهود بودن دارایی	۸۰۰	۴۶۴	۱۲۵	-۸۱۵۹	۴۱۳۴۸	۲۳۱۱	۱۴/۱	۲۳۴	

میانگین اندازه شرکت ۵/۸ با میانگین ۵/۷، رشد شرکت ۴/۷ با میانگین ۱/۷، بدهی ۵/۶ با میانگین ۰/۰۵، بازده انباشته بورس ۰/۲۷ با میانگین ۰/۱۹ و میانگین مشهود بودن دارایی ۴۶۴ با میانگین ۱۲۵ به دست آمده است. تقریباً همه میانگین ها نزدیک به میانگین خود هستند و این یعنی برقراری تقارن که یکی از ویژگی های توزیع نرمال است.

انتخاب از بین روش های داده های ترکیبی یا تابلویی (پنلی)

پس از اجرای آزمون اف. لیمر (چاو)، اگر مقدار آماره F کمتر از ۰/۰۵ باشد، روش تابلویی به کار می رود و در غیر این صورت روش ترکیبی استفاده می شود. با توجه به نتایج آزمون جدول ۲، سطح معناداری آماره اف. لیمر مدل اول ۰/۰۰۰۴ و بقیه مدل ها ۰/۰۰۰۰ به دست آمده است، بنابراین روش تابلویی انتخاب می شود.

جدول ۲. نتایج آزمون اف. لیمر (چاو)

مقدار احتمال	درجه آزادی	آماره F	مدل
۰/۰۰۰۴	۹۹/۷۹۵	۱/۶۰۵۱۱۷	مدل ۱
۰/۰۰۰۰	۹۹/۷۹۵	۲/۶۴۹۷۲۲	مدل ۲
۰/۰۰۰۰	۹۹/۷۹۵	۲/۵۷۴۲۴۸	مدل ۳
۰/۰۰۰۰	۹۹/۷۹۵	۱/۷۷۶۵۳۸	مدل ۴

انتخاب بین روش‌های رگرسیون اثرهای ثابت و اثرهای تصادفی

در آزمون هاسمن برای انتخاب الگوی اثرهای ثابت در برابر الگوی اثرهای تصادفی، چنانچه مقدار آماره کای دو کمتر از ۰/۰۵ باشد، رگرسیون با اثرهای ثابت به کار می‌رود و در غیر این صورت، از رگرسیون با اثرهای تصادفی استفاده خواهد شد. با توجه به نتیجه آزمون (جدول ۳)، از آنجاکه مقدار آماره کای دو مدل ۲ کمتر از ۰/۰۵ است، از رگرسیون با اثرهای ثابت استفاده می‌شود و برای بقیه مدل‌ها، رگرسیون با اثرهای تصادفی به کار برده خواهد شد.

جدول ۳. نتایج آزمون هاسمن

مقدار احتمال	درجه آزادی	مقدار کای دو	مدل
۰/۸۶۱۰	۵	۱/۹۱۳۴۳۲	مدل ۱
۰/۰۰۴۰	۵	۱۷/۲۷۴۶۷۰	مدل ۲
۰/۱۷۲۲	۵	۷/۷۲۳۱۳۰	مدل ۳
۰/۶۱۲۷	۵	۳/۵۷۰۶۱۲	مدل ۴

تغییرات ارزشی مربوط بودن اطلاعات حسابداری

میزان تغییرات ارزشی مربوط بودن اطلاعات حسابداری بر اساس ضریب تعیین تعدیل شده و سطح معناداری در جدول ۴ نشان داده شده است.

بر اساس ضرایب متغیرها و سطح معناداری آنها در ۴ مدل، نتایج زیر به دست آمده است: مدل اول در تمام سال‌ها به استثنای سال ۱۳۷۹ (با سطح معناداری ۰/۵۳۸) در سطح کمتر از ۰/۰۵ معنادار است، بین $\Delta EARN-LMV$ و RET در سال‌های ۱۳۷۶ (با سطح معناداری ۰/۶۲۰)، ۱۳۷۷ (با سطح معناداری ۰/۲۷۰)، ۱۳۸۸ (با سطح معناداری ۰/۶۶۷)، ۱۳۷۹ (با سطح معناداری ۰/۴۰)، ۱۳۸۲ (با سطح معناداری ۰/۷۱۶)، ۱۳۸۴ (با سطح معناداری ۰/۵۷۴)، ۱۳۸۶ (با سطح معناداری ۰/۶۸۳)، ۱۳۹۰ (با سطح معناداری ۰/۹۲۹) و ۱۳۹۲ (با سطح معناداری ۰/۸۷۶) هیچ رابطه‌ای وجود ندارد، در سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ رابطه معکوس و معناداری مشاهده می‌شود و در بقیه سال‌ها رابطه مستقیم و معناداری برقرار است.

سال	تعداد نمونه	مدل ۱- مدل سود				مدل ۲- مدل ترانزاکشن				مدل ۳- مدل ارزش دفتری و موجودها				مدل ۴- مدل ارقام تهیهی و جریان نقد			
		عرض از مبدأ سطح معناداری	ضرب تعین سطح معناداری	EARN - LMV سطح معناداری	ΔEARN-LMV سطح معناداری	عرض از مبدأ سطح معناداری	ضرب تعین سطح معناداری	LIAB-PS سطح معناداری	ASSETS-PS سطح معناداری	عرض از مبدأ سطح معناداری	ضرب تعین سطح معناداری	عرض از مبدأ سطح معناداری	ضرب تعین سطح معناداری	عرض از مبدأ سطح معناداری	ضرب تعین سطح معناداری	ACCUR-LMV سطح معناداری	CFO - LMV سطح معناداری
۱۳۸۵	۱۰۱	-	۰/۴۰۴	۷/۷۰	۰/۴۰۴	-۷/۷۵	۷/۵۰	-۳/۶۰	۳/۷۰	-	۰/۲۱۳	۰/۵۱۶	۰/۵۷	-	-	-	-
۱۳۸۶	۱۳۸	-	۰/۳۶۱	۷/۳۸	۰/۳۶۱	-۳/۶۰	۳/۷۰	-۳/۶۰	۳/۷۰	-	۰/۴۰۴	۰/۴۶۷	۰/۴۶۷	-	-	-	-
۱۳۸۷	۹۲	-	۰/۳۷۰	۷/۳۸	۰/۳۷۰	-۷/۷۵	۳/۶۳	-۷/۷۵	۳/۶۳	-	۰/۴۰۴	۰/۴۰۴	۰/۴۰۴	-	-	-	-
۱۳۸۸	۱۳۸	-	۰/۳۷۰	۷/۳۸	۰/۳۷۰	-۷/۷۵	۳/۶۳	-۷/۷۵	۳/۶۳	-	۰/۴۰۴	۰/۴۰۴	۰/۴۰۴	-	-	-	-
۱۳۸۹	۷۳	-	۰/۳۷۰	۷/۳۸	۰/۳۷۰	-۷/۷۵	۳/۶۳	-۷/۷۵	۳/۶۳	-	۰/۴۰۴	۰/۴۰۴	۰/۴۰۴	-	-	-	-
۱۳۹۰	۹۱	-	۰/۳۷۰	۷/۳۸	۰/۳۷۰	-۷/۷۵	۳/۶۳	-۷/۷۵	۳/۶۳	-	۰/۴۰۴	۰/۴۰۴	۰/۴۰۴	-	-	-	-
۱۳۹۱	۳۹	-	۰/۳۷۰	۷/۳۸	۰/۳۷۰	-۷/۷۵	۳/۶۳	-۷/۷۵	۳/۶۳	-	۰/۴۰۴	۰/۴۰۴	۰/۴۰۴	-	-	-	-
۱۳۹۲	۱۳۸	-	۰/۳۷۰	۷/۳۸	۰/۳۷۰	-۷/۷۵	۳/۶۳	-۷/۷۵	۳/۶۳	-	۰/۴۰۴	۰/۴۰۴	۰/۴۰۴	-	-	-	-
۱۳۹۳	۱۳۸	-	۰/۳۷۰	۷/۳۸	۰/۳۷۰	-۷/۷۵	۳/۶۳	-۷/۷۵	۳/۶۳	-	۰/۴۰۴	۰/۴۰۴	۰/۴۰۴	-	-	-	-
۱۳۹۴	۱۳۸	-	۰/۳۷۰	۷/۳۸	۰/۳۷۰	-۷/۷۵	۳/۶۳	-۷/۷۵	۳/۶۳	-	۰/۴۰۴	۰/۴۰۴	۰/۴۰۴	-	-	-	-

جدول ۴: ضریب تعیین تعدیل شده و سطح معناداری چهار مدل و ضریب و سطح معناداری ضرایب

ادامه جدول ۴

سال	تعداد نمونه	مدل ۱. مدل سود				مدل ۲. مدل ترازنامه				مدل ۳. مدل ارزش دفتری و سودها				مدل ۴. مدل اقلام تعهدی و جریان نقد			
		ضریب تعیین سطح معناداری	EARN - LMV سطح معناداری	AEARN-LMV سطح معناداری	عرض از مبدأ سطح معناداری	ضریب تعیین سطح معناداری	LIAB-PS سطح معناداری	ASSETS-PS سطح معناداری	عرض از مبدأ سطح معناداری	ضریب تعیین سطح معناداری	EARN-LBV سطح معناداری	BV-LBV سطح معناداری	عرض از مبدأ سطح معناداری	ضریب تعیین سطح معناداری	CFO-LMV سطح معناداری	ACC-R-LMV سطح معناداری	عرض از مبدأ سطح معناداری
۱۳۸۳	۱۷۵	-	-۰/۰۰۰	-۰/۰۵۶	-	-۰/۰۸۶	-۰/۰۷۸	-	-۰/۰۷۲	-۰/۰۶۵	-۰/۰۳۵	-	-۰/۰۵۶	-۰/۰۲۶	-۰/۰۳۳	-	-۰/۰۴۶
۱۳۸۴	۲۱۲	-	-۰/۰۵۷	-۰/۰۳۰	-	-۰/۰۲۲	-۰/۰۶۰	-	-۰/۰۸۲	-۰/۰۵۸	-۰/۰۴۷	-	-۰/۰۹۲	-۰/۰۰۶	-۰/۰۱۰	-	-۰/۰۰۳
۱۳۸۵	۲۳۴	-	-۰/۰۰۰	-۰/۰۳۹	-	-۰/۰۰۰	-۰/۰۸۲	-	-۰/۰۳۷	-۰/۰۴۱	-۰/۰۳۳	-	-۰/۰۴۷	-۰/۰۰۹	-۰/۰۰۳	-	-۰/۰۰۴
۱۳۸۶	۲۳۱	-	-۰/۰۳۵	-۰/۰۳۵	-	-۰/۰۰۰	-۰/۰۳۳	-	-۰/۰۴۳	-۰/۰۳۹	-۰/۰۳۱	-	-۰/۰۶۰	-۰/۰۰۰	-۰/۰۳۴	-	-۰/۰۰۰
۱۳۸۷	۲۲۶	-	-۰/۰۷۰	-۰/۰۰۴	-	-۰/۰۰۰	-۰/۰۹۹	-	-۰/۰۷۷	-۰/۰۶۵	-۰/۰۵۵	-	-۰/۰۳۵	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰۴	-	-۰/۰۰۵
۱۳۸۸	۲۳۰	-	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰۰	-	-۰/۰۰۰	-۰/۰۹۴	-	-۰/۰۴۰	-۰/۰۳۶	-۰/۰۳۳	-	-۰/۰۴۷	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰۰	-	-۰/۰۰۵
۱۳۸۹	۲۳۳	-	-۰/۰۰۰	-۰/۰۵۹	-	-۰/۰۰۰	-۰/۰۸۹	-	-۰/۰۵۶	-۰/۰۶۷	-۰/۰۴۳	-	-۰/۰۲۷	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰۸	-	-۰/۰۰۶
۱۳۹۰	۲۳۹	-	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰۲	-	-۰/۰۰۰	-۰/۰۴۴	-	-۰/۰۵۶	-۰/۰۸۷	-۰/۰۷۸	-	-۰/۰۶۲	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰۰	-	-۰/۰۰۶
۱۳۹۱	۲۲۶	-	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰۰	-	-۰/۰۰۰	-۰/۰۳۳	-	-۰/۰۶۵	-۰/۰۶۸	-۰/۰۴۸	-	-۰/۰۲۰	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰۶	-	-۰/۰۱۱
۱۳۹۲	۲۳۳	-	-۰/۰۰۰	-۰/۰۱۲	-	-۰/۰۰۰	-۰/۰۵۴	-	-۰/۰۶۳	-۰/۰۸۱	-۰/۰۶۵	-	-۰/۰۶۰	-۰/۰۰۰	-۰/۰۰۱	-	-۰/۰۰۰

همچنین بین EARN-LMV و RET در تمام سال‌ها به استثنای سال‌های ۱۳۷۹ (۰/۸۲۸)، ۱۳۸۱ (۰/۹۱۵)، ۱۳۸۳ (۰/۳۵۹)، ۱۳۸۴ (۰/۷۱۶) و ۱۳۸۵ (۰/۸۵۱) که هیچ رابطه‌ای بین آنها مشاهده نشد، رابطه مستقیم و معناداری برقرار است.

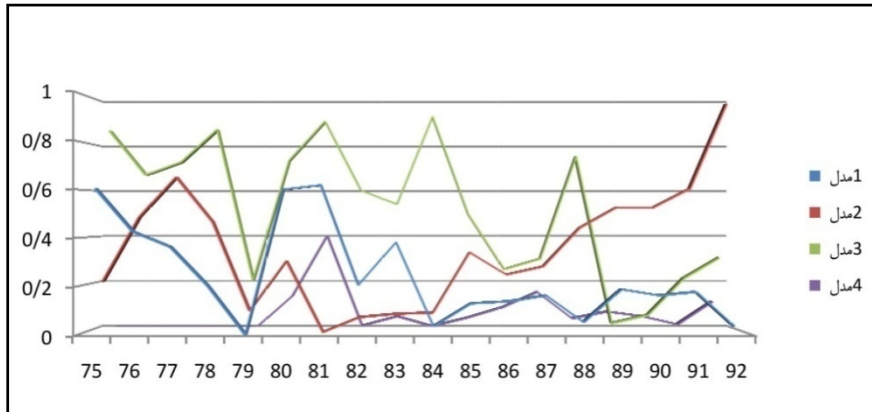
مدل دوم در تمام سال‌ها به جز سال ۱۳۸۱ (با مقدار ۰/۳۷۴) معنادار است. بین ASSET-PS و MV-PS به استثنای سال‌های ۱۳۷۹ (۰/۹۱۷) و ۱۳۸۱ (۰/۱۶۵) که هیچ رابطه‌ای بین آنها وجود ندارد، رابطه مستقیم و معناداری مشاهده می‌شود. همچنین بین LIAB-PS و MV-PS در تمام سال‌ها به استثنای سال‌های ۱۳۷۹ (۰/۵۹۷) و ۱۳۸۱ (۰/۱۷) رابطه معکوس و معناداری وجود دارد.

مدل سوم نیز در تمام سال‌ها معنادار است، بین BV-LBV و MV-LBV در سال‌های ۱۳۷۷ (۰/۲۳۱)، ۱۳۷۸ (۰/۰۸۵)، ۱۳۸۰ (۰/۱۷۰) و ۱۳۸۱ (۰/۸۹۵) هیچ رابطه‌ای مشاهده نشد، در سال‌های ۱۳۸۲، ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ رابطه معکوس و معناداری وجود دارد و بقیه سال‌ها تأثیر مستقیم و معناداری نشان می‌دهد. همچنین بین EARN-LBV و MV-LBV در تمامی سال‌ها (به استثنای سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۹۰ با رابطه معکوس و معنادار)، رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد.

در نهایت، مدل چهارم به دلیل تدوین استاندارد شماره ۲ (صورت جریان وجوه نقد)، از سال ۱۳۸۰ و بعد از آن بررسی شده است. در تمام سال‌ها به جز ۱۳۸۲ (در سطح ۰/۲۵۹) و ۱۳۸۴ (در سطح ۰/۲۸۰) معنادار است، بین ACCR-LMV و RET در تمام سال‌ها به استثنای ۱۳۸۰ (۰/۵۶۹)، ۱۳۸۳ (۰/۱۰۶)، ۱۳۸۴ (۰/۱۱۲)، ۱۳۸۸ (۰/۲۶) و ۱۳۹۱ (۰/۵۳۲)، رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. همچنین بین CFO-LMV و RET در سال‌های ۱۳۸۴ (۰/۹۳۰)، ۱۳۸۵ (۰/۰۸۹) و ۱۳۸۹ (۰/۱۷۴) رابطه‌ای مشاهده نشد. در سال ۱۳۸۸ رابطه معکوس و معناداری وجود دارد و در بقیه سال‌ها این رابطه به صورت مستقیم و معنادار بوده است.

نتایج آزمون

با توجه به روند تغییراتی که در شکل ۱ مشاهده می‌شود، در مقایسه با بقیه مدل‌ها تنها مدلی که الگوی مشخصی دارد، مدل دوم است؛ یعنی مدل مرتبط با ترازنامه که پس از تدوین استانداردها به صورت صعودی در حال رشد است و به نظر می‌رسد که ارزش مربوط بودن اطلاعات ترازنامه پس از تدوین استانداردها (۱۳۸۰) افزایش یافته است، بنابراین فرضیه اول تأیید می‌شود. بر اساس جدول ۴ روند تغییرات ضریب تعیین تعدیل‌شده چهار مدل در شکل ۱ نشان داده شده است.



شکل ۱. روند تغییرات ضریب تعیین تعدیل‌شده چهار مدل از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۲

نتیجه آزمون مدل رگرسیونی برای نمونه پژوهش در جدول ۵ نشان داده شده است. نتایج مربوط به آماره F نشان می‌دهد که مدل کلی پژوهش حاضر بر اساس هر چهار مدل اندازه‌گیری مربوط بودن اطلاعات حسابداری معنادار است؛ چراکه سطح معناداری در هر چهار مدل (۰/۰۰۰) از ۰/۰۵ کمتر است. مقدار آماره دوربین واتسون نزدیک به ۲ در هر چهار مدل نشان می‌دهد بین باقی‌مانده‌ها خودهمبستگی مشاهده نمی‌شود.

مربوط بودن اطلاعات مدل مرتبط با سود (مدل ۱) و مدل مرتبط با ارقام تعهدی و جریان وجوه نقد (مدل ۴) با اندازه شرکت رابطه معکوس و معناداری برقرار کرده است و مربوط بودن اطلاعات مدل مرتبط با ترازنامه (مدل ۲) با اندازه شرکت رابطه مستقیم و معناداری دارد، بنابراین در صورت استفاده از مدل مرتبط با سود (مدل ۱) و مدل مرتبط با ارقام تعهدی و جریان وجوه نقد (مدل ۴) فرضیه دوم تأیید می‌شود. مربوط بودن اطلاعات مدل مرتبط با سود (مدل ۱)، مدل مرتبط با ترازنامه (مدل ۲) و مدل مرتبط با ارزش دفتری و سودها (مدل ۳) با رشد شرکت رابطه مستقیم و معناداری دارد، لذا در صورت استفاده از این سه مدل، فرضیه سوم تأیید می‌شود.

مربوط بودن اطلاعات مدل مرتبط با ترازنامه (مدل ۲) و مدل مرتبط با ارزش دفتری و سودها (مدل ۳) با بدهی شرکت رابطه معکوس و معناداری برقرار کرده است، در نتیجه چنانچه از این دو مدل استفاده شود، فرضیه چهارم نیز تأیید می‌شود.

در توضیح نرمال بودن توزیع متغیرها، چنانچه آماره جاک - برا در سطح خطای ۰/۰۵ بیشتر از ۵/۹۹ باشد، توزیع نرمال است که در دو ردیف آخر جدول ۵، سطح معناداری هر چهار مدل صفر درصد است و توزیع نرمالی دارد.

جدول ۵. نتایج برازش رگرسیون بر اساس چهار مدل

شرح	مدل ۱	مدل ۲	مدل ۳	مدل ۴
مقدار ثابت	۷۳۸/۸	-۱۳۶۳۸	۱/۷۸	۱۱۷۲
اندازه	-۰/۶	۲۸۷۱	-۰/۳۹	-۰/۵۱
رشد	۰/۰۶	۴۰/۶	۰/۰۶	۰/۰۶
بدهی	۰/۶	-۱۴/۷	-۰/۰۲	۰/۹۷
بازده انباشته بورس	-۲۶۴۹	-۲۸۲۴	-۷/۳۸	-۴۲۱۴
مشهود بودن دارایی	۳/۷۱	-۰/۱۳	-۲	۱/۶۷
مقدار ثابت	۲/۳۵	-۲/۵۶	۰/۵۵	۲/۹۷
اندازه	-۱/۹۹	۲/۹۴	۰/۸	-۱/۶۸
رشد	۲/۰۳	۲/۲۴	۱/۹۴	۱/۶
بدهی	۲/۲۶	-۲/۱۴	-۱/۹۴	۲/۹
بازده انباشته بورس	-۲/۳۵	-۱/۳۳	-۱/۸۲	-۳
مشهود بودن دارایی	۰/۱۲	-۳/۵	۰/۳۸	۰/۳۹
مقدار ثابت	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۵۸	۰/۰۰
اندازه	۰/۰۴	۰/۰۰	۰/۴۱	۰/۰۵
رشد	۰/۰۴	۰/۰۲	۰/۰۵	۰/۱
بدهی	۰/۰۲	۰/۰۳	۰/۰۵	۰/۰۰
بازده انباشته بورس	۰/۰۱	۰/۱۸	۰/۰۶	۰/۰۰
مشهود بودن دارایی	۰/۹	۰/۰۰	۰/۷	۰/۷
مقدار ثابت	مثبت و معنادار	منفی و معنادار	بی معنا	مثبت و معنادار
اندازه	منفی و معنادار	مثبت و معنادار	بی معنا	منفی و معنادار
رشد	مثبت و معنادار	مثبت و معنادار	مثبت و معنادار	بی معنا
بدهی	مثبت و معنادار	منفی و معنادار	منفی و معنادار	مثبت و معنادار
بازده انباشته بورس	منفی و معنادار	بی معنا	بی معنا	منفی و معنادار
مشهود بودن دارایی	بی معنا	منفی و معنادار	بی معنا	بی معنا
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۱۹	۰/۳۰	۰/۲۱	۰/۱۷
آماره F	۲/۶۸	۲/۸۴	۲/۸۷	۲/۵
سطح معناداری	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰
دوربین واتسون	۱/۸۷	۱/۹۷	۱/۶۶	۱/۷۹
چارک - برا	۳۹۰۵	۱۹۰۷۴	۱۹۴۶۷	۳۳۵۲
سطح معناداری	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

مدل‌های اندازه‌گیری مربوط بودن اطلاعات حسابداری بر اساس ضریب تعیین تعدیل‌شده سنجش می‌شوند (فرانسیس و شیپر، ۱۹۹۹ و سامی و ژوا، ۲۰۰۴). تجزیه و تحلیل‌های انجام‌شده نشان می‌دهد از میان این مدل‌ها، فقط مدل مرتبط با ترازنامه در مقایسه با بقیه مدل‌ها الگوی مشخصی دارد و از سال ۱۳۸۱ روند صعودی را در پیش گرفته است، بنابراین می‌توان گفت پس از تدوین اولین استانداردهای حسابداری در ایران (۱۳۸۰)، ارزش مربوط بودن اطلاعات ترازنامه روند رو به رشدی را در پیش گرفته و در حال افزایش است. نتایج حاصل از این فرضیه با یافته‌های پژوهش‌های کولینز، مایدو و ویز (۱۹۹۷) و لاندزمن و مایدو (۲۰۰۲) همخوانی دارد؛ در حالی که با نتایج حاصل از مطالعات لو (۱۹۸۹) و براون، لو و لیز (۱۹۹۹) که کاهش ارزش مربوط بودن اطلاعات حسابداری در طول زمان را نشان دادند، در تناقض است.

بررسی عوامل مؤثر بر مربوط بودن اطلاعات حسابداری نشان می‌دهد فقط اندازه شرکت، رشد شرکت و بدهی شرکت، مربوط بودن اطلاعات حسابداری را تحت تأثیر قرار می‌دهد و بین مربوط بودن اطلاعات حسابداری مدل مرتبط با سود و مدل مرتبط با ارقام تعهدی و جریان وجوه نقد و اندازه شرکت، رابطه معکوس و معناداری وجود دارد، پس می‌توان گفت اطلاعات صورت سود و زیان و صورت جریان وجوه نقد در شرکت‌های کوچک‌تر، از مربوط بودن بیشتری برخوردار است و برعکس. این یافته با نتایج پژوهش کوین، هیبت‌الله و حیان (۲۰۱۳) همخوانی دارد.

بین مربوط بودن اطلاعات مدل مرتبط با سود، مدل مرتبط با ترازنامه و مدل مرتبط با ارزش دفتری و سودها و رشد شرکت، رابطه مستقیم و معنادار وجود دارد؛ یعنی شرکت‌های در حال رشد، به‌منظور جذب سرمایه‌گذار و انعکاس تصویری مطلوب‌تر و واقعی‌تر از شرکت، اطلاعات مربوطتری را در اختیار استفاده‌کنندگان قرار می‌دهند که با نتایج پژوهش کوین و همکاران (۲۰۱۳) در تناقض است.

بین مربوط بودن اطلاعات مدل مرتبط با ترازنامه و مدل مرتبط با ارزش دفتری و سودها و بدهی شرکت، رابطه معکوس و معناداری وجود دارد؛ به این معنا که اطلاعات ترازنامه، ارزش دفتری و سودهای شرکت‌های دارای بدهی بیشتر، از مربوط بودن کمتری برخوردار است که بر اساس یافته‌های کوین و همکاران (۲۰۱۳) ارتباطی بین آنها نشان داده نشده است.

از بین چهار مدل اندازه‌گیری مربوط بودن اطلاعات حسابداری، فقط مدل مرتبط با ترازنامه الگوی مشخصی دارد، از این رو پیشنهاد می‌شود به کمک این مدل، ارزش مربوط بودن اطلاعات حسابداری به صورت مقایسه دو جامعه آماری قبل و بعد از تدوین استانداردها بررسی شود. در خصوص فرصت‌های مطالعاتی پیش رو، پیشنهاد می‌شود مربوط بودن اطلاعات حسابداری با

تغییرات حسابرس یا تأثیر تدوین استانداردهای جدید بر مربوط بودن اطلاعات حسابداری در مطالعات بعدی بررسی شود.

References

- Ahmadpour, A. & Ghahremani, H. (2009). Investigation the reliability qualitative characteristic of information in earning quality assessing of companies. *The Iranian Accounting and Auditing Review*, 16 (58): 3-20. (in Persian)
- Almeida, H. & Campello, M. (2007). Financial constraints, asset tangibility, and corporate investment. *Review of Financial Studies*, 20 (5): 1429–1460.
- Barth, M.E., Beaver, W.H. & Landsman, W. R. (2001). The relevance of the value relevance literature for financial accounting standard setting: another view. *Journal of Accounting and Economics*, 31 (1): 77–104.
- Beshkough, M. & Jahangiri, L. A. (2013). The effect of problem agency of free cash flows on earnings and book values relevance. *The Iranian Accounting and Auditing Review*, 20 (1): 35-52. (in Persian)
- Brown, S.K., Lo, K. & Lys, T. (1999). The R² in accounting research: measuring changes in value relevance over the last four decades. *Journal of Accounting and Economics*, 28 (2): 83–115.
- Collins, D., Maydew, E. & Weiss, I. (1997). Changes in the value-relevance of earnings and book values over the past forty years. *Journal of Accounting and Economics*, 24 (1): 39–67.
- Francis, J. & Schipper, K. (1999). How financial statements lost their relevance. *Journal of Accounting Research*, 37 (2): 319–352.
- Gee-Jung, K. (2009). The Value Relevance of Book Values, Earnings and Cash Flows: Evidence from Korea. *International Journal of Business and Management*, 10 (4): 28-42.
- Hanlon, D., Navissi, F. & Soepriyanto, G. (2014). The Value Relevance of Deferred Tax Attributed to Asset Revaluations. *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 14 (2): 1-42.
- Harris, T.S. & Ohlson, J.A. (1990). Accounting disclosures and the market's valuation of oil and gas properties: evaluation of market efficiency and functional fixation. *Accounting Review*, 65 (4): 764–781.

- Hemmatfar, M. & Moghadasi, M. (2013). Investigation of disclosure quality (reliability and timeliness) on stock value. *The Iranian Accounting and Auditing Review*, 20 (2): 133-147. (in Persian)
- Kevin, C.K.L., Heibatollah, S. & Haiyan, Zh. (2013). Change in the value relevance of accounting information over time: Evidence from the emerging market of china. *Journal of Contemporary Accounting & Economic*, 9 (1): 123-135.
- Khoddampour, A. & TorkzadehMahani, A. (2011). Tax and conservatism in financial reporting, and the value relevance of accounting data. *Financial Accounting Researches*, 3 (3): 127-145. (in Persian)
- Landsman, W. & Maydew, E. (2002). Has the information content of quarterly earnings announcements declined in the past three decades? *Journal of Accounting Research*, 40 (3): 797-808.
- Lev, B. (1989). On the usefulness of earnings: lessons and directions from two decades of empirical research. *Journal of Accounting Research* (Suppl.), 27: 153-182.
- Mattias, H. & Leif-Atle, B. (2014). Changes in the value relevance of goodwill accounting following the adoption of IFRS 3. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 14 (2): 1-38.
- Mehrani, S., FaalGhayoumi, A. & Moradi, M. (2012). Relationship among Corporate ownership, Concentrated institutional ownership and value relevance of accounting data. *Journal of Accounting Knowledge*, 3 (11): 31-55. (in Persian)
- Moinoadin, M., Tabatabaeinasab, Z. & Zarezadeh, Z. (2012). The effect of setting and implement of national accounting standards on value relevance of accounting information. *Journal of Empirical Research in Accounting*, 3 (1): 114-130. (in Persian)
- Ou, J.A. & Penman, S.H. (1989). Financial statement analysis and the prediction of stock returns. *Journal of Accounting and Economics*, 11 (4): 295-330.
- Riahi Belkaoui, A. (2010). *Accounting Theory*. Tehran: Terme. (in Persian)
- Sami, H. & Zhou, H. (2004). A comparison of value relevance of accounting information in different segments of the Chinese stock market. *International Journal of Accounting*, 39 (4): 403-427.

Sible, K. (2013). The impact of IFRS on the Value Relevance of Accounting Information: Evidence From Turkish Firms. *International Journal of Economics and Finance*, 5 (4): 71-80.

William, R. S. (2007). *Financial Accounting Theory*. Tehran: Terme. (in Persian)

Xiao-Jun, Zh. (2012). Information relevance, reliability and disclosure. *Rev Account Stud*, 17 (2): 189-226.